



مدت حقوق

دوره ۹ - شماره ۲۷ - بهار ۱۴۰۵

شاپا چاپی: ۱۸۴۱-۲۷۸۳
شاپای الکترونیکی: ۱۹۲۲-۲۷۸۳



- بار اثبات دعوا در داوری تجاری بین المللی
همایون مافی، مانده اصغرزاده
- تحلیل رویه احراز صلاحیت دیوان کیفری بین‌المللی جهت رسیدگی به ازدواج اجباری
محمدحسین رضائی قوام‌آبادی، پوریا ابراهیم زاده
- بازاندیشی حقوقی در استفاده از هوش مصنوعی برای اجرای مجازات حبس در ایران و نظام های حقوقی مختلف
امیررضا محمودی، آتوشا ظفری کوره تاش
- حقوق فدراسیونی در فوتبال: رویکرد نظام‌های حقوقی ایران، فرانسه، انگلستان، آرژانتین، برزیل، اسپانیا و کلمبیا
بهنام نورزاده
- تعارض آیین نامه ماده سوم قانون الزام به ثبت رسمی معاملات اموال غیرمنقول با قوانین و اصول حقوقی
اکبر ایمان پور، سهنند نجادی ایجادکار
- شخصیت مجرمانه و رابطه آن با مجازات موثر
مریم بهمنی، مصطفی کرمی پور
- چالش‌ها و موانع تفسیر قراردادها در حقوق ایران
فرزین یزدان پناه، محمدرضا نصیری
- تدابیر پیشگیری از فساد مالی در نظام بانکی
علیرضا درائی، سیدابراهیم مرتضوی، امیرحسن ابوالحسنی
- طلاق به درخواست زن در نظام حقوقی ایران
محمد احمدی، حلما سادات ذریه کرمانشاهی
- ماهیت کیفری قرعه کشی های آنلاین در حقوق ایران
محمدحسین حاجب، زهرا ربانی، رویا آسیایی
- قرارداد بیع متقابل در نظام حقوقی ایران
صادق محبی، محمدعلی جهانی
- ویژگی ها و خصوصیات جرائم سایبری در نظام کیفری ایران
سیده الهه بابونکی
- بررسی حق اشتغال زنان در حقوق بین الملل
حبیب اله عبدالله پور، سما خدایاری
- اثرگذاری اقدامات تأمینی و تربیتی در بازاجتماعی شدن بزهکاران نوجوان؛ نمونه پژوهی مجتمع قضایی شهید فهمیده
لیلا احدی
- مقابله به مثل در قرآن کریم و جایگاه آن در سیاست کیفری اسلامی
رژین مسعودی، جمال رضایی حسین آبادی
- واکاوی حقوقی ساختار نظارتی بازار غیرمتشکل پولی در ایران: از ابهامات مفهومی تا چالش‌های تقنینی و اجرایی
علی بابایی
- تأثیر نهادهای مستقل بین المللی بر کارآمدی تحریم ها در حقوق تجارت بین الملل
الهه قربان کریمی
- بر مدار مصلحت عالیه کودک؛ تحلیل حضانت با رویکرد حقوقی، فقهی و روان‌شناختی تا شناخت خلاهای تقنینی
مونا کمیلی
- بازپروری حقوق بشردار و محدودیت های آن در نظام کیفری ایران
امین رضا بهار فلامرزی
- تحلیلی بر مسئولیت محض مدنی در حوادث صنایع شیمیایی؛ مطالعه موردی واحدهای تولید متانول ایران
محمد جوکار، ساسان وزین پور
- آسیب شناسی مجازات سالب حیات در حقوق کیفری ایران
محمدرضا رضائی
- اجرای مقررات ملی شدن اراضی در خصوص اراضی وقفی با تاکید بر رویه قضایی
اسماعیل چوگانی
- سیاست کیفری بین‌المللی در قبال نسل کشی: تحلیل تطبیقی در دادگاه‌های کیفری بین‌المللی
علی هادیان حقیقی، صابر سیاری زهان
- تحلیل جرم شناختی کولبری در مناطق مرزی ایران و مقایسه آن با قاچاق کالا
مرتضی هاشم پور
- چالش ها و آسیب های حقوقی موسسات اعتباری غیرمجاز در نظام پولی ایران
امین امینی نژاد
- تأثیر اختلال کارکرد قشر پیش‌پیشانی بر مسئولیت کیفری در جرم قتل عمدی
حمید غیاثی، مهدی شعبان زاده
- هوش مصنوعی و حق بر محاکمه عادلانه در پرتو قانون اساسی ایران
پوریا ژولیده
- تأثیر مخارج و پدھی دولت بر رشد بازار سهام در ایران
راضیه جنتی نژاد
- جایگاه نهاد طرف معامله مرکزی در معاملات فرامرزی و تأثیر آن بر اصل نسبی بودن قراردادهای حقوق ایران، اروپا و ایالات متحده آمریکا
عارفه قاسم زاده ده آبادی
- راهکارهای پیشگیری و مقابله با جرائم سایبری
احمد پدیدار



The Impact of Independent International Institutions on the Effectiveness of Sanctions in International Trade Law

تأثیر نهادهای مستقل بین‌المللی بر کارآمدی تحریم‌ها در حقوق تجارت بین‌الملل

Elahe Ghorban Karimi

Master degree, International Trade Law, Faculty of Law, Shahid Beheshti University, Tehran, Iran.

الهه قربان کریمی

کارشناس ارشد حقوق تجارت بین‌الملل، دانشکده حقوق، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران

zahraemadi1992@gmail.com
<http://orcid.org/0009-0007-7896-5266>

Abstract

Given the unprecedented increase in the use of economic sanctions as a foreign policy tool, the tension between the legitimacy of these measures and the requirements of international trade law (including freedom of trade and contractual security) has become one of the most challenging legal issues of contemporary times. This article examines the role of independent international institutions, including the International Court of Justice, the World Trade Organization, the Court of Justice of the European Union, and international trade arbitration institutions, in shaping the effectiveness of sanctions. The aim of the research is to analyze the function of these institutions in creating a balance between the political will of states and legal obligations. The main question is how the aforementioned institutions affect the increase or decrease in the effectiveness of sanctions. This research was conducted using a descriptive-analytical method and using case law and opinions of international institutions. The findings show that these institutions contribute to the long-term effectiveness of sanctions by playing three key roles: norm-setting (through the interpretation of security exceptions), guaranteeing fundamental rights (such as the right to a defense in listing individuals), and providing dispute resolution frameworks. The conclusion is that although independent institutions may limit the implementation of sanctions in the short term, they contribute to the stability and predictability of sanctions regimes in the international trade law system by legitimizing and establishing transparent procedures.

Keywords: Economic Sanctions, World Trade Organization, International Court of Justice, Court of Justice of the European Union, International Trade Arbitration.

چکیده

با توجه به افزایش بی‌سابقه استفاده از تحریم‌های اقتصادی به‌عنوان ابزار سیاست خارجی، تنش میان مشروعیت این اقدامات و الزامات حقوق تجارت بین‌الملل (از جمله آزادی تجارت و امنیت قراردادی) به یکی از چالش‌برانگیزترین موضوعات حقوقی معاصر تبدیل شده است. این پژوهش به بررسی نقش نهادهای مستقل بین‌المللی از جمله دیوان بین‌المللی دادگستری، سازمان تجارت جهانی، دیوان عدالت اتحادیه اروپا و نهادهای داوری تجاری بین‌المللی در شکل‌دهی به کارآمدی تحریم‌ها می‌پردازد. هدف پژوهش، تحلیل کارکرد این نهادها در ایجاد موازنه میان اراده سیاسی دولت‌ها و الزامات حقوقی است. پرسش اصلی پژوهش آن است که نهادهای مذکور چگونه بر افزایش یا کاهش کارآمدی تحریم‌ها تأثیر می‌گذارند؟ این پژوهش با روش توصیفی-تحلیلی و با بهره‌گیری از رویه قضایی و آرای نهادهای بین‌المللی انجام شده است. یافته‌ها نشان می‌دهند که این نهادها با ایفای سه نقش کلیدی یعنی هنجارسازی (از طریق تفسیر استثنائات امنیتی)، تضمین حقوق بنیادین (مانند حق دفاع در فهرست‌گذاری اشخاص) و ارائه چهارچوب‌های حل اختلاف، به کارآمدی بلندمدت تحریم‌ها یاری می‌رسانند. نتیجه آن که اگرچه نهادهای مستقل در کوتاه‌مدت ممکن است اجرای تحریم‌ها را با محدودیت مواجه کنند، اما با مشروعیت‌بخشی و ایجاد رویه‌های شفاف، به پایداری و پیش‌بینی‌پذیری رژیم‌های تحریمی در نظام حقوق تجارت بین‌الملل کمک می‌کنند.

واژگان کلیدی: تحریم‌های اقتصادی، سازمان تجارت جهانی، دیوان بین‌المللی دادگستری، دیوان عدالت اتحادیه اروپا، داوری تجاری بین‌المللی.

ارجاع:

قریان کریمی، الهه؛ (۱۴۰۵)، تأثیر نهادهای مستقل بین‌المللی بر کارآمدی تحریم‌ها در حقوق تجارت بین‌الملل، تمدن حقوقی، شماره ۲۷.

Copyrights:

Copyright for this article is retained by the author (s) , with publication rights granted to Legal Civilization. This is an open-access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution License (<http://creativecommons.org/licenses/by/4.0>) , which permits unrestricted use, distribution, and reproduction in any medium, provided the original work is properly cited.



CC BY-NC-SA



مقدمه

در دهه‌های اخیر، تحریم‌های اقتصادی به یکی از پرکاربردترین ابزارهای سیاست خارجی دولت‌ها و سازمان‌های بین‌المللی تبدیل شده‌اند. این ابزار که زمانی عمدتاً در چهارچوب اقدامات جمعی سازمان ملل متحد تعریف می‌شد، امروزه به شکل فزاینده‌ای به صورت یکجانبه و فراسرزمینی توسط قدرت‌های بزرگ اعمال می‌گردد. هم‌زمان با گسترش دامنه و شدت تحریم‌ها، حقوق تجارت بین‌الملل به‌عنوان نظم حقوقی حاکم بر مبادلات فرامرزی، با چالش‌های بی‌سابقه‌ای مواجه شده است. اصول بنیادینی همچون آزادی تجارت، حاکمیت اراده، امنیت قراردادی و لزوم جبران خسارت، در برابر موج فزاینده محدودیت‌های اقتصادی ناشی از تحریم‌ها قرار گرفته‌اند. در این میان، نهادهای مستقل بین‌المللی از جمله دیوان بین‌المللی دادگستری^۱، سازمان تجارت جهانی^۲، دیوان عدالت اتحادیه اروپا^۳ و نهادهای داوری تجاری بین‌المللی، به‌عنوان مراجع بی‌طرفی ظاهر شده‌اند که می‌کوشند میان الزامات ژئوپلیتیکی دولت‌ها و اقتضانات حقوق تجارت بین‌الملل توازن برقرار کنند (گنج‌بخش، ۱۴۰۱، ۸۳).

1- International Court of Justice- ICJ

2- World Trade Organization-WTO

3- Court of Justice of the European Union-CJEU

بیان مسئله پژوهش حاضر ناظر بر این سؤال بنیادین است که آیا نهادهای مستقل بین‌المللی به کارآمدی تحریم‌ها یاری می‌رسانند یا برعکس، با ایجاد محدودیت‌های حقوقی، اثربخشی آن‌ها را کاهش می‌دهند؟ کارآمدی تحریم‌ها خود مفهومی چندبعدی است که از منظر اقتصادی و سیاسی تعاریف متفاوتی یافته است؛ جایی که اقتصاددانان عمدتاً بر آثار تجاری و رفاهی متمرکز می‌شوند و دانشمندان علوم سیاسی بر تحقق اهداف سیاسی تأکید می‌ورزند. آن چه این پژوهش را ضروری می‌سازد، شکاف موجود در ادبیات حقوقی بین‌المللی است که عمدتاً به مشروعیت تحریم‌ها پرداخته و از نقش نهادهای مستقل در شکل‌دهی به کارآمدی آن‌ها غفلت کرده است (Felbermayr et al., 2021, 103720). با توجه به تحولات ژئوپلیتیکی اخیر از جمله تحریم‌های روسیه در پی جنگ اوکراین و تشدید تحریم‌های ایران، بررسی این موضوع اهمیتی مضاعف یافته است.

هدف پژوهش، تحلیل سه‌گانه نقش نهادهای مستقل بین‌المللی در فرایند تحریم‌ها شامل هنجارسازی از طریق تفسیر قواعد تجاری، تضمین حقوق بنیادین اشخاص تحریم شده و ارائه چهارچوب‌های حل اختلاف می‌باشد. پرسش اصلی آن است که نهادهای مذکور چگونه و با چه سازوکارهایی بر افزایش یا کاهش کارآمدی تحریم‌ها در نظام حقوق تجارت بین‌الملل تأثیر می‌گذارند؟ پرسش‌های فرعی نیز بدین شرح قابل طرح است: سازمان تجارت جهانی چگونه با تفسیر استثنائات امنیتی به مهار تحریم‌های یکجانبه می‌پردازد؟ دیوان عدالت اتحادیه اروپا چه نقشی در تضمین حقوق دفاعی اشخاص تحریم شده ایفاء می‌کند؟ و نهادهای داوری در مواجهه با تحریم‌های بعدی چه رویکردی نسبت به اجرای تعهدات قراردادی اتخاذ می‌کنند؟ روش پژوهش توصیفی-تحلیلی بوده و با بهره‌گیری از منابع کتابخانه‌ای، رویه قضایی بین‌المللی و آرای نهادهای داوری، به واکاوی تطبیقی عملکرد نهادهای مستقل بین‌المللی می‌پردازد. گردآوری اطلاعات به روش اسنادی و با مراجعه به منابع معتبر شامل معاهدات بین‌المللی، آرای قضایی، گزارش‌های نهادی و مقاله‌های علمی انجام شده است.

پیشینه پژوهش

پیشینه پژوهش نشان می‌دهد که مطالعه تحریم‌های اقتصادی همواره عرصه‌ای میان‌رشته‌ای و مورد توجه دو رشته اقتصاد و علوم سیاسی بوده است. در ادبیات غربی، پژوهش‌های بنیادین توسط هوفباوئر و همکاران با گردآوری پایگاه داده‌های جامع تحریم‌ها آغاز شد و سپس توسط درزنر با نظریه پارادوکس تحریم‌ها و بیت و مورگان با تحلیل عوامل مؤثر بر کارآمدی تحریم‌ها ادامه یافت. در سال‌های اخیر، پایگاه داده جهانی تحریم‌ها^۴ توسط فلمایر و همکاران توسعه یافته و امکان مطالعات کمی دقیقتری را فراهم آورده است. از منظر حقوقی، بوگدانوا به بررسی تحریم‌های یکجانبه در پرتو حقوق بشر پرداخته و هوفر مشروعیت تحریم‌های فراسرزمینی را از منظر حقوق بین‌الملل نقد کرده است. همچنین، مجموعه «رهنمود راتلج در باب اقتصاد سیاسی تحریم‌ها» به سرویراستاری کرخام با گردآوری مقالاتی از منظرهای گوناگون، تصویری جامع از تحولات معاصر تحریم‌ها ارائه داده است. در منابع فارسی، مطالعات متعددی به موضوع تحریم‌ها اختصاص یافته است از جمله: آثاری که به تحلیل حقوقی تحریم‌ها از منظر حقوق بین‌الملل عمومی پرداخته‌اند، می‌توان به کتاب «تحریم‌های اقتصادی در حقوق بین‌الملل» اشاره کرد که به مشروعیت تحریم‌های یکجانبه در پرتو اصول بنیادین حقوق بین‌الملل می‌پردازد. همچنین کتاب «تشریح ساختار و ماهیت تحریم‌های بین‌الملل با بررسی موردی دعاوی» که با رویکردی توصیفی-تحلیلی به طبقه‌بندی تحریم‌ها و بررسی آثار آن‌ها پرداخته است. پژوهش‌هایی که با تمرکز بر حقوق تجارت بین‌الملل و سازمان تجارت جهانی نگارش یافته‌اند. از جمله می‌توان به مقاله «تحریم‌های اقتصادی و تعهدات کشورها در سازمان جهانی تجارت و ارائه راهکارهای بین‌المللی» اشاره کرد که به بررسی رویه قضایی سازمان تجارت جهانی در پرونده روسیه علیه اوکراین پرداخته است. مطالعاتی نیز با نگاه به نهادهای قضایی منطقه‌ای و داوری تجاری بین‌المللی انجام شده‌اند. مقاله «تأثیر تحریم‌ها بر داوری تجاری بین‌المللی» از جمله این آثار است. همچنین، کتاب «داوری تجاری بین‌المللی» که به تحلیل رویکرد دیوان‌های داوری نسبت به تحریم‌های بعدی پرداخته است.

با وجود غنای نسبی منابع فارسی، بررسی‌ها نشان می‌دهد که وجه تمایز و جنبه نوآوری پژوهش حاضر در مقایسه با مطالعات پیشین عبارت است از: رویکرد یکپارچه به نهادهای مختلف: بیشتر پژوهش‌های پیشین یا به سازمان تجارت جهانی پرداخته‌اند یا به دیوان عدالت اروپا و یا به داوری تجاری، اما این پژوهش با نگاهی جامع به نقش هم‌زمان این نهادها و تعامل آن‌ها با یکدیگر می‌پردازد. تحلیل دوگانه مشروعیت و کارآمدی: درحالی‌که عمده مطالعات بر مشروعیت یا عدم مشروعیت تحریم‌ها متمرکز بوده‌اند، این پژوهش با ارائه مفهوم «کارآمدی مشارکتی» نشان می‌دهد که چگونه نهادها با وجود چالش‌آفرینی در کوتاه‌مدت، به پایداری بلندمدت تحریم‌ها کمک می‌کنند. به‌روزرسانی با تحولات جدید: با توجه به انتشار آرای جدید دیوان عدالت اتحادیه اروپا، تحولات سازمان تجارت جهانی و به‌ویژه بحران نهاد استیناف آن و همچنین تحریم‌های گسترده علیه روسیه، این پژوهش تحلیلی به‌روز از وضعیت کنونی ارائه می‌دهد. رویکرد تطبیقی میان نهادها: مقایسه رویکرد دیوان بین‌المللی دادگستری با دیوان عدالت اتحادیه اروپا و نهادهای داوری و تحلیل تعارض صلاحیت‌های احتمالی میان آن‌ها از جنبه‌های بدیع این پژوهش است.

یافته‌های پژوهش نشان می‌دهند که نهادهای مستقل بین‌المللی سه نقش اساسی در رابطه با کارآمدی تحریم‌ها ایفاء می‌کنند: نخست، نقش هنجارسازی از طریق تفسیر استثنائات امنیتی معاهدات تجاری که به شفافیت و پیش‌بینی‌پذیری رژیم‌های تحریمی می‌انجامد. دوم، نقش تضمین حقوق بنیادین اشخاص تحریم‌شده که از طریق الزام به رعایت دادرسی عادلانه و حق دفاع، از خودسری در فهرست‌گذاری‌ها جلوگیری می‌کند. سوم، نقش حل اختلاف و ایجاد رویه‌های اجرایی که از طریق داوری تجاری بین‌المللی و رسیدگی‌های قضایی، چهارچوبی برای مواجهه با تعارض تعهدات قراردادی و الزامات تحریمی فراهم می‌آورد.

در نتیجه اگرچه نهادهای مستقل بین‌المللی در کوتاه‌مدت ممکن است با ایجاد محدودیت‌های حقوقی، اجرای سریع تحریم‌ها را با مانع مواجه سازند، اما در بلندمدت با مشروعیت‌بخشی، ایجاد شفافیت و شکل‌دهی به رویه‌های منسجم، به کارآمدی پایدار و سیستماتیک رژیم‌های تحریمی در

نظام حقوق تجارت بین‌الملل یاری می‌رسانند. بدین ترتیب، تحریم‌هایی که در چهارچوب هنجارهای نهادی طراحی و اعمال شوند، از مشروعیت بیشتر و هزینه‌های اجرایی کمتری برخوردار خواهند بود.

۱- تحریم‌ها در تعامل حقوق بین‌الملل عمومی و حقوق تجارت بین‌الملل

تحریم‌های اقتصادی در گفتمان حقوق بین‌الملل عمومی از جایگاهی دوگانه برخوردارند. از یک‌سو، مفهوم مضیق تحریم، ناظر بر اقدامات الزام‌آوری است که شورای امنیت سازمان ملل متحد بر اساس اختیارات خود ذیل فصل هفتم منشور ملل متحد^۵ علیه دولت‌ها یا کنشگران غیردولتی وضع می‌کند. این نوع تحریم‌ها که گاه «تحریم‌های نهادی» یا «تحریم‌های جمعی» نامیده می‌شوند، در چهارچوب نظام متمرکز حفظ صلح و امنیت بین‌المللی قابل توجیه بوده و برای کشورهای عضو الزام‌آور هستند (ماتام فارال، ۱۳۹۹، ۱۲۹). از سوی دیگر، مفهوم موسع تحریم، طیف گسترده‌تری از اقدامات قهری یکجانبه را دربرمی‌گیرد که توسط یک دولت، گروهی از دولت‌ها یا سازمان‌های منطقه‌ای^۶ بدون مجوز شورای امنیت اعمال می‌شوند. در دهه‌های اخیر، این دسته اخیر^۷ به دلیل افزایش بی‌سابقه کاربرد و پیامدهای گسترده آن بر تجارت بین‌الملل، کانون توجه حقوقدانان قرار گرفته است.

درک تعامل حقوق بین‌الملل عمومی با حقوق تجارت بین‌الملل در حوزه تحریم‌ها، مستلزم تفکیک دو مفهوم کلیدی است که در طرح مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها^۸ تبلور یافته است: «اقدامات متقابل»^۹ و «تلافی»^{۱۰}. «اقدامات متقابل» به اقداماتی اطلاق می‌شود که در پاسخ به یک عمل متخلفانه بین‌المللی قبلی اتخاذ می‌گردند و در شرایط عادی، خود نقض تعهد بین‌المللی محسوب می‌شوند، اما به دلیل وضعیت استثنایی، نامشروع بودن آن‌ها زائل می‌گردد. به بیان دیگر، دولت زیان‌دیده برای

۵- به‌ویژه ماده ۴۱

۶- مانند اتحادیه اروپا

۷- که موضوع اصلی پژوهش حاضر است

۸- مصوب ۲۰۰۱ میلادی کمیسیون حقوق بین‌الملل

و داشتن دولت مسئول به ایفای تعهدات خود، موقتاً از اجرای برخی تعهدات بین‌المللی سرباز می‌زند. دیوان بین‌المللی دادگستری در قضیه پروژه گابچیکو-ناگیماروس در میلادی تصریح کرد که اقدامات متقابل تابع شرایط ماهوی و شکلی از جمله تناسب، هدف قرار دادن دولت مسئول و الزام به رعایت حقوق بشر بنیادین هستند (عزیزی و موسوی، ۱۳۹۵، ۱۲۶).

در مقابل، «تلافی» به اقدامات «ناخوشایند» یا «غیردوستانه‌ای» اطلاق می‌شود که اگرچه با هدف فشار بر دولت دیگر صورت می‌گیرند، اما فی‌نفسه ناقض هیچ تعهد بین‌المللی نیستند. قطع یا کاهش روابط اقتصادی، تعلیق کمک‌های داوطلبانه یا محدودیت در روابط دیپلماتیک، از مصادیق کلاسیک افسار محسوب می‌شوند. اصل حاکم بر حقوق بین‌الملل عمومی^{۱۱} آن است که دولت‌ها در انتخاب شرکای تجاری خود آزادند، مگر آن که تعهد مثبتی مبنی بر ادامه روابط وجود داشته باشد (Dupont, 2025, 273). بر این اساس، بسیاری از تحریم‌های یکجانبه در زمره افسار طبقه‌بندی می‌شوند، مشروط بر آن که هدف آن‌ها صرفاً اعمال فشار سیاسی بوده و تعهدات معاهده‌ای مشخصی را نقض نکنند.

چالش اساسی هنگامی رخ می‌نماید که تحریم‌های یکجانبه^{۱۲} با هنجارهای بنیادین حقوق تجارت بین‌الملل تعارض پیدا کنند. اصولی چون «رفتار دولت کامله‌الوداد»^{۱۳}، «رفتار ملی»^{۱۴} و «ممنوعیت محدودیت‌های کمی» که در چهارچوب موافقتنامه عمومی تعرفه و تجارت^{۱۵} و سایر موافقتنامه‌های سازمان تجارت جهانی تبلور یافته‌اند، ممکن است در نتیجه اعمال تحریم‌ها نقض گردند. این جا است که «استثنائات امنیتی» مندرج در ماده ۲۱ گات^{۱۶} به‌عنوان مهم‌ترین سازوکار توجیه تحریم‌ها در نظام تجارت بین‌الملل ظاهر می‌شود (Bogdanova, 2021, 69). این ماده به اعضاء اجازه می‌دهد «هر اقدامی را که برای

۱۱- که از قضیه لوتوس نشئت گرفته

۱۲- خواه در قالب افسار و خواه اقدامات متقابل

13- Most-Favored-Nation Treatment

14- National Treatment

۱۵- گات ۱۹۹۴

۱۶- به‌ویژه بند ۳

حفظ منافع اساسی امنیتی خود ضروری می‌دانند» در مواقع جنگ یا فوریت‌های بین‌المللی اتخاذ کنند. به تحلیل نگارنده، شکاف اصلی میان دو نظام حقوقی یاد شده، نه در سطح مشروعیت تحریم‌ها، بلکه در معیارهای ارزیابی آن‌ها است. حقوق بین‌الملل عمومی با ارائه چهارچوب «اقدامات متقابل» و «اقسار» عمدتاً به رابطه دولت‌ها با یکدیگر می‌نگرد و مسئله را از منظر مسئولیت بین‌المللی تحلیل می‌کند. در مقابل، حقوق تجارت بین‌الملل با تمرکز بر آزادی مبادلات و حمایت از انتظارات مشروع فعالان اقتصادی، پیامدهای تحریم‌ها را بر قراردادهای خصوصی و تجارت فرامرزی ارزیابی می‌نماید. این دوگانگی موجب شده تا یک اقدام واحد^{۱۷} از منظر حقوق بین‌الملل عمومی در قالب اقسار یا اقدام متقابل توجیه شود، اما در عین حال ناقض تعهدات معاهده‌ای دولت‌ها در چهارچوب سازمان تجارت جهانی یا معاهدات دوجانبه دوستی^{۱۸} تلقی گردد.

پرونده جاری ایران علیه ایالات متحده آمریکا در دیوان بین‌المللی دادگستری^{۱۹} فرصتی تاریخی برای روشن شدن این تعارض فراهم آورده است، هرچند که خروج ایالات متحده آمریکا از این معاهده در سال ۲۰۱۸ میلادی و اعلام پایان تعهدات آن، پیچیدگی‌های تازه‌ای ایجاد کرده است. در مجموع، می‌توان گفت که تحریم‌ها در منطقه خاکستری میان دو نظام حقوقی قرار دارند و کارآمدی آن‌ها در گرو پاسخ به این پرسش است که کدام نظام حقوقی عمومی یا تجاری در ارزیابی نهایی اولویت خواهد یافت؟

۲- نقش نهادهای قضایی و شبه‌قضایی در تفسیر پویای قواعد

تفسیر پویا یا تحولی^{۲۰} به‌عنوان یکی از مهم‌ترین شیوه‌های تفسیر در حقوق بین‌الملل معاصر، ناظر بر نقش زمان در شناخت معنای واژگان حقوقی است. برخلاف تفسیر ایستا که بر اراده تاریخی واضعان

۱۷- مثلاً تحریم‌های ایالات متحده آمریکا علیه ایران

۱۸- مانند معاهده ۱۹۵۵ ایران و ایالات متحده آمریکا

۱۹- موسوم به Treaty of Amity

متن تأکید دارد، تفسیر پویا کلمات و عبارات را «موجوداتی زنده» تلقی می‌کند که می‌توانند در طول تاریخ دچار تغییر و تحول معنایی شوند. این رویکرد به نهادهای قضایی و شبه‌قضایی بین‌المللی امکان می‌دهد تا معاهدات را در سیاق کنونی و متناسب با تحولات جامعه بین‌المللی تفسیر کنند، بی‌آن که نیاز به اصلاح رسمی متن معاهده باشد.

دیوان بین‌المللی دادگستری به‌عنوان رکن قضایی اصلی سازمان ملل متحد، در چند دهه اخیر به صراحت تفسیر پویا را در رویه خود پذیرفته است. این دیوان در قضایای متعدد، از جمله قضیه نامیبیا در ۱۹۷۱ میلادی، تصریح کرد که مفاهیم مندرج در معاهدات بین‌المللی لزوماً معنایی ایستا ندارند و باید در پرتو تحولات بعدی حقوق بین‌الملل تفسیر شوند. همچنین، در قضیه سکوه‌های نفتی^{۲۱}، دیوان به تفسیر پویای معاهده مودت ۱۹۵۵ میلادی پرداخت و بر لزوم در نظر گرفتن تحولات حقوق بین‌الملل در تفسیر تعهدات معاهده‌ای تأکید کرد. در قضیه اختلاف درباره کشتیرانی و حقوق مربوط به آن^{۲۲} دیوان با تأکید بر این که اصطلاح «تجارت» مفهومی پویا دارد، آن را شامل فعالیت‌های مدرن تجاری از جمله گردشگری دانست. این رویکرد نشان می‌دهد که دیوان برای انطباق معاهدات کهن با نیازهای معاصر، از تفسیر پویا بهره می‌گیرد. نهاد حل اختلاف سازمان تجارت جهانی^{۲۳} نیز به‌ویژه در دو دهه اخیر، تفسیر پویا را در آرای خود به کار گرفته است.

نقطه عطف این رویکرد، رأی نهاد استیناف در قضیه «میگوا»^{۲۴} بود که در آن تأکید شد: «محتوا یا مفهوم اصطلاح عمومی منابع طبیعی که در ماده ۲۰ (ز) گات به کار رفته است، مفهومی ایستا نیست، بلکه مفهومی اساساً پویا به شمار می‌رود» (حجازی و صلح چی، ۱۴۰۱، ۹۶). این رویکرد در پرونده‌های مرتبط با تحریم‌ها نیز انعکاس یافته است. در قضیه ای^{۲۵} در ۲۰۱۹ میلادی، پنل سازمان

۲۱- ایران علیه ایالات متحده در ۲۰۰۳ میلادی

۲۲- کاستاریکا علیه نیکاراگوئه در ۲۰۰۹ میلادی

23- WTO

24- Shrimp-Turtle, 1998

25- Russia-Traffic in Transit

تجارت جهانی با تفسیر ماده ۲۱ گات^{۲۶}، مفهوم «منافع اساسی امنیتی» را در پرتو تحولات ژئوپلیتیکی معاصر تفسیر کرد و بر لزوم اعلام حسن نیت از سوی دولت‌های تحریم‌کننده تأکید نمود. این رأی نشان داد که سازمان تجارت جهانی با بهره‌گیری از تفسیر پویا، می‌کوشد میان آزادی تجارت و ملاحظات امنیتی دولت‌ها توازن برقرار کند.

دیوان اروپایی حقوق بشر^{۲۷} را می‌توان پیشگام تفسیر پویا در نظام‌های منطقه‌ای دانست. این دیوان با استناد به مفهوم «کنسانسوس اروپایی»^{۲۸}، کنوانسیون اروپایی حقوق بشر را به‌عنوان «بازاری زنده»^{۲۹} تفسیر می‌کند که باید در پرتو شرایط کنونی و تحولات اجتماعی و فرهنگی کشورهای عضو فهم شود. دیوان در یک قضیه^{۳۰} علیه بریتانیا در ۱۹۷۸ میلادی صریحاً اعلام کرد که کنوانسیون اروپایی حقوق بشر «یک سند زنده است که باید در پرتو شرایط امروز تفسیر شود». این رویکرد بعدها در قضایای متعددی از جمله درباره تحریم‌های تروریستی و فهرست‌گذاری اشخاص، مورد استفاده قرار گرفت.

به تحلیل نگارنده، تفسیر پویا در عملکرد نهادهای قضایی و شبه‌قضایی بین‌المللی، کارکردی دوگانه در رابطه با کارآمدی تحریم‌ها دارد. از یک سو، این شیوه تفسیر به نهادها امکان می‌دهد تا مفاهیم قدیمی معاهدات^{۳۱} را با واقعیت‌های ژئوپلیتیکی معاصر تطبیق دهند و از بن‌بست ناشی از جمود متون معاهده‌ای بکاهند. این امر به شفافیت و پیش‌بینی‌پذیری رژیم‌های تحریمی کمک می‌کند. از سوی دیگر، تفسیر پویا می‌تواند به گسترش دامنه شمول استثنائات امنیتی و توجیه تحریم‌های جدیدی بیانجامد که در زمان تدوین معاهدات قابل پیش‌بینی نبوده‌اند.

آن چه حائز اهمیت است، آن که نهادهای بین‌المللی با به‌کارگیری این شیوه تفسیری، عملاً به «قانون‌گذاری قضایی» در حوزه تحریم‌ها مبادرت می‌ورزند و مرزهای سنتی تفکیک قوا را در نظام

۲۶- استثنائات امنیتی

27- European Court of Human Rights- ECtHR

28- European Consensus

29- Living Instrument

30- Tyrer

۳۱- مانند استثنائات امنیتی یا منافع اساسی

بین‌الملل به چالش می‌کشند. با وجود این، رویه نهادها نشان می‌دهد که تفسیر پویا تا زمانی مقبول است که به «اراده مفروض» دولت‌های متعاقد احترام بگذارد و از تغییر بنیادین تعهدات معاهده‌ای پرهیز کند. در نتیجه، تفسیر پویا نه تهدیدی برای کارآمدی تحریم‌ها، بلکه سازوکاری برای انطباق آن‌ها با تحولات حقوقی و اجتماعی است.

۳- کار ویژه‌های نهادهای بین‌المللی در تنظیم و تحدید تحریم‌ها

این مبحث با اتخاذ رویکردی نهادمحور، به تحلیل سه نهاد کلیدی و حوزه‌های تأثیرگذاری آن‌ها اختصاص دارد: نخست، سازمان تجارت جهانی به‌عنوان نهاد مسئول نظام تجاری چندجانبه که با تکیه بر سازوکار حل اختلاف خود، به‌ویژه در پرونده‌های مرتبط با استثنائات امنیتی، مرزهای تحریم‌های یکجانبه را ترسیم می‌کند. دوم، نهادهای قضایی منطقه‌ای با تأکید بر دیوان عدالت اتحادیه اروپا که با رویه قضایی غنی خود در تضمین حقوق بنیادین اشخاص تحریم‌شده، الگویی نوین از موازنه میان الزامات امنیتی و موازین حقوق بشری ارائه داده است. سوم، حقوق بین‌الملل خصوصی و نهادهای داوری تجاری بین‌المللی که به‌عنوان زاویه‌ای نوین در این پژوهش، نقش رو به گسترش خود را در مواجهه با تعارض تعهدات قراردادی و الزامات تحریمی آشکار ساخته‌اند.

در این بخش، تلاش خواهد شد تا با بهره‌گیری از رویه قضایی و آرای صادره توسط هر یک از این نهادها، تصویری روشن از کارآمدی یا ناکارآمدی آن‌ها در تنظیم تحریم‌ها ارائه گردد و مشخص شود که هر نهاد با چه سازوکارهای خاصی به مهار تحریم‌های یکجانبه یاری رسانده یا برعکس، با ایجاد محدودیت‌های رویه‌ای، کارآمدی آن‌ها را با چالش مواجه ساخته است.

۳-۱- سازمان تجارت جهانی و مهار تحریم‌های یکجانبه^{۳۲}

سازمان تجارت جهانی به‌عنوان مهم‌ترین نهاد تنظیم‌گر تجارت بین‌الملل، نقشی دوگانه در رابطه با تحریم‌های اقتصادی ایفاء می‌کند. از یک سو، قواعد بنیادین این سازمان از جمله اصل رفتار کامله‌الوداد،

اصل رفتار ملی و ممنوعیت محدودیت‌های کمی، چهارچوبی هنجاری برای تحدید تحریم‌های یکجانبه فراهم می‌آورند. ازسوی دیگر، ماده ۲۱ گات مصوب ۱۹۹۴ میلادی با عنوان «استثنائات امنیتی»^{۳۳} به‌عنوان مهم‌ترین ابزار حقوقی برای توجیه تحریم‌ها در نظام تجاری چندجانبه عمل می‌کند. آن چه در دو دهه اخیر تحولی اساسی یافته، رویه قضایی شکل گرفته در پنل‌های حل اختلاف سازمان تجارت جهانی است که با تفسیر این ماده، مرزهای تحریم‌های یکجانبه را ترسیم کرده است. نقطه عطف این تحول، یک پرونده^{۳۴} در ۲۰۱۹ میلادی است که نخستین رأی پنل درباره استثنائات امنیتی پس از هفتاد سال سکوت نسبی نظام سازمان تجارت جهانی محسوب می‌شود. در این پرونده، روسیه با استناد به ماده ۲۱ (ب) (۳) گات، محدودیت‌های ترانزیتی علیه اوکراین را توجیه می‌کرد. پنل سازمان تجارت جهانی با اتخاذ رویکردی متوازن، نخست بر صلاحیت خود برای رسیدگی به دعاوی مبتنی بر استثنائات امنیتی تأکید کرد و ادعای «خودقضاوت بودن»^{۳۵} مطلق این ماده را رد نمود (Voon, 2020, 98).

پنل سپس میان دو عنصر تفکیک قائل شد: ازیک‌سو، احراز وجود «شرایط اضطراری در روابط بین‌الملل» که عنصری عینی^{۳۶} و قابل ارزیابی توسط پنل است؛ ازسوی دیگر، تشخیص «منافع اساسی امنیتی» و «اقدامات ضروری برای حمایت از آن‌ها» که اگرچه دولت‌ها در تشخیص آن‌ها از اختیار ذهنی^{۳۷} برخوردارند، اما پنل همچنان صلاحیت بررسی «حسن نیت» دولت‌ها در تفسیر و اعمال این اختیار را حفظ می‌کند. پنل در نهایت با توجه به الحاق کریمه به روسیه و تشدید تنش‌ها از سال ۲۰۱۴ میلادی، وجود «شرایط اضطراری در روابط بین‌الملل» را احراز کرد و استدلال روسیه را مبتنی بر حسن نیت دانست. این رویکرد در پرونده دیگری^{۳۸} نیز تداوم یافت؛ جایی که پنل با احراز قطع روابط دیپلماتیک و اقتصادی

33- Security Exceptions

34- Russia-Traffic in Transit (DS512)

35- self-judging

36- objective

37- subjective

38- Saudi Arabia-IPRs (DS567)

عربستان سعودی با قطر به‌عنوان «اضطراری در روابط بین‌الملل»، استاد عربستان سعودی به استثنائات امنیتی در زمینه حقوق مالکیت فکری را پذیرفت (Mendenhall&Solovy,2024,244).

اما نقطه مقابل این رویکرد، آرای صادره در پرونده‌های مرتبط با تعرفه‌های فولاد و آلومینیوم ایالات متحده آمریکا^{۳۹} است. در این دعاوی که توسط چین، نروژ، سوئیس و ترکیه علیه ایالات متحده آمریکا مطرح شد، پنل سازمان تجارت جهانی در اواخر سال ۲۰۲۲ میلادی رأی به رد استناد ایالات متحده آمریکا به ماده ۲۱ گات داد و تصریح کرد که «نگرانی‌های مربوط به ظرفیت مازاد جهانی در فولاد و آلومینیوم» به سطح شدت و حدت لازم برای ایجاد «اضطراری در روابط بین‌الملل» نمی‌رسد. همچنین در یک پرونده^{۴۰}، پنل الزام ایالات متحده آمریکا به درج «چین» به جای «هنگ‌کنگ» بر روی کالاهای وارداتی را مضمول استثنائات امنیتی ندانست، زیرا «نگرانی‌های مربوط به وضعیت حقوق بشر در هنگ‌کنگ» به آستانه لازم برای ایجاد اضطراب در روابط بین‌الملل ارتقاء نیافته بود (Yoo&Ahn,2016,419). این آراء نشان می‌دهد که پنل‌ها با وجود اعمال درجاتی از مدارا نسبت به دولت‌ها، از انجام «ارزیابی عینی» شروط مقدماتی استثنائات امنیتی ابایی ندارند و اجازه سوءاستفاده از این استثنائات را نمی‌دهند.

چالش مهم دیگر در نظام سازمان تجارت جهانی، مسئله تحریم‌های ثانویه است. برخلاف تحریم‌های اولیه که روابط دوجانبه دولت تحریم‌کننده و دولت هدف را تنظیم می‌کنند، تحریم‌های ثانویه اشخاص ثالث^{۴۱} را هدف قرار داده و آن‌ها را از تجارت با دولت هدف منع می‌نمایند. این نوع تحریم‌ها به دلیل اعمال فراسرزمینی خود، با چالش‌های جدی در حقوق بین‌الملل مواجه‌اند. از منظر حقوق سازمان تجارت جهانی، احراز نقض قواعد توسط تحریم‌های ثانویه پیچیده‌تر از تحریم‌های اولیه است. این تحریم‌ها معمولاً ناقض اصول رفتار کامله‌الوداد یا رفتار ملی محسوب نمی‌شوند و

39- US-Steel and Aluminium Products

40- US-Origin Marking

۴۱- شرکت‌ها و اتباع کشورهای دیگر

تطبيق آن‌ها با منع محدودیت‌های کمی^{۴۲} نیز چالش برانگیز است.

با این حال، برخی مصادیق تحریم‌های ثانویه از جمله منع ورود مدیران شرکت‌ها، محرومیت از مناقصات دولتی یا ممنوعیت صدور مجوز واردات، می‌توانند ناقض قواعد مشخصی در نظام سازمان تجارت جهانی باشند. اتحادیه اروپا همواره موضع خود مبنی بر مغایرت تحریم‌های ثانویه ایالات متحده آمریکا با حقوق سازمان تجارت جهانی را تکرار کرده است. افزون بر این، حتی در مواردی که تحریم‌های ثانویه با موافقتنامه‌های سازمان تجارت جهانی یا معاهدات دوجانبه دوستی ناسازگار باشند، دولت‌ها می‌توانند به استثنائات امنیتی استناد کنند. در این خصوص، استدلال شده است که حتی اگر تحریم‌های اولیه بتوانند آزمون استثنائات امنیتی را با موفقیت پشت سر بگذارند، تحریم‌های ثانویه به دلیل آن که «تهدید ناشی از شرکای تجاری دولت هدف بسیار تضعیف شده و دور از ذهن است»، در آزمون ضرورت مندرج در استثنائات امنیتی مردود خواهند بود.

علاوه بر سازمان تجارت جهانی، موافقتنامه صندوق بین‌المللی پول^{۴۳} نیز محدودیت‌هایی بر تحریم‌های مالی اعمال می‌کند. ماده ۸ (الف) (الف) موافقتنامه صندوق، کشورهای عضو را از اعمال محدودیت بر پرداخت‌ها و انتقال‌های مربوط به معاملات جاری بین‌المللی بدون تأیید صندوق منع می‌کند. این حکم به اندازه‌ای گسترده است که بسیاری از تحریم‌های مالی از جمله مسدودسازی دارایی‌ها یا ممنوعیت تراکنش‌های دلاری را در بر می‌گیرد. با این حال، مصوبه ۱۹۵۲ میلادی هیئت اجرایی صندوق، رویه‌ای برای تأیید ضمنی محدودیت‌های ناشی از ملاحظات امنیتی پیش‌بینی کرده است. طبق این رویه، کشورها باید محدودیت‌ها را به صندوق اعلام کنند و اگر ظرف سی روز اعتراضی نشود، محدودیت‌ها تأییدشده تلقی می‌گردند. بررسی گزارش‌های سالانه صندوق نشان می‌دهد که تاکنون هیچ اعلامیه‌ای با اعتراض مواجه نشده است (شهابی و شاه بیگ، ۱۳۹۵، ۵۷). این بدان معنا است که از منظر حقوق بین‌الملل پولی، بسیاری از تحریم‌های ثانویه که با رعایت این رویه

اعلام شوند، از مشروعیت برخوردار خواهند بود.

به تحلیل نگارنده، سازمان تجارت جهانی با صدور آرای متعدد درباره استثنائات امنیتی طی سال‌های ۲۰۱۹ الی ۲۰۲۲ میلادی، عملاً به «قانون‌گذاری قضایی» در حوزه تحریم‌ها مبادرت ورزیده است. رویکرد پنل‌ها در تفکیک میان عناصر عینی و ذهنی ماده ۲۱ و تأکید بر قابلیت رسیدگی قضایی به این دعاوی، مانع از آن شده است که استثنائات امنیتی به «کارت خروج نامحدود»^{۴۴} از تعهدات تجاری تبدیل شوند. باین حال، این دستاورد مهم در سایه بحران نهاد استیناف سازمان تجارت جهانی قرار گرفته است.

از دسامبر ۲۰۱۹ میلادی و با پایان یافتن دوره مأموریت اعضای نهاد استیناف و مسدود شدن انتصاب اعضای جدید توسط ایالات متحده آمریکا، این نهاد عملاً از کار افتاده است. ایالات متحده آمریکا با استناد به «رویه‌گرایی قضایی» نهاد استیناف و تفسیر موسع آن از قواعد سازمان تجارت جهانی، مانع احیای این نهاد شده است. در چنین وضعیتی، دولت محکوم‌شده می‌تواند با تجدیدنظرخواهی^{۴۵} رأی پنل را در وضعیت معلق نگاه دارد، چنان که ایالات متحده آمریکا در پرونده‌های فولاد و آلومینیوم چنین کرد. از این رو، کارآمدی سازمان تجارت جهانی در مهار تحریم‌های یکجانبه، اکنون بیش از هر زمان دیگری به احیای نظام حل اختلاف کارآمد وابسته است. در این میان، ترتیبات جایگزین مانند «توافق داوری موقت استیناف چندجانبه»^{۴۶} که پنجاه و سه عضو از جمله اتحادیه اروپا، چین و کانادا به آن پیوسته‌اند، می‌توانند تا حدی خلأ نهادی را پر کنند، اما نبود ایالات متحده آمریکا به‌عنوان مهم‌ترین بازیگر تحریم‌ها، اثربخشی این سازوکار را محدود ساخته است.

۳-۲- نهادهای قضایی منطقه‌ای (با تأکید بر دیوان عدالت اتحادیه اروپا)

نهادهای قضایی منطقه‌ای، به‌ویژه دیوان عدالت اتحادیه اروپا^{۴۷}، نقش بی‌بدیلی در ایجاد موازنه میان الزامات سیاست خارجی و تضمین حقوق بنیادین اشخاص تحریم‌شده ایفاء کرده‌اند. این نهاد با رویه

44- unchecked exit card

45- appealing into the void

46- MPIA

47- Court of Justice of the European Union- CJEU

قضایی پویای خود، نه تنها به مهار خودسری در فهرست گذاری افراد و نهادها پرداخته، بلکه الگویی نوین از «کارآمدی مشارکتی» را ارائه داده است که بر اساس آن، مشروعیت تحریم‌ها در گرو رعایت استانداردهای دادرسی عادلانه است.

چالش اساسی دیوان عدالت اتحادیه اروپا در حوزه تحریم‌ها، محدودیت صلاحیت ذاتی ناشی از ماده ۲۵۴ معاهده عملکرد اتحادیه اروپا^{۴۸} است که سیاست خارجی و امنیتی مشترک^{۴۹} را تا حد زیادی از نظارت قضایی تمام‌عیار مستثنی کرده است. با این حال، دیوان با تفسیر موسع از استثنائات وارده بر این محدودیت، عملاً دامنه نظارت خود را گسترش داده است. نقطه عطف این رویکرد، رأی مشهور در یک پرونده^{۵۰} در ۲۰۱۷ میلادی بود که طی آن، دیوان با تأکید بر «استانداردهای قانون اساسی» اتحادیه، مقررات شورای امنیت سازمان ملل را در تعارض با اصول بنیادین حقوق اتحادیه اروپا^{۵۱} تلقی کرد و الزام به اجرای آن‌ها را در قلمرو اتحادیه به حالت تعلیق درآورد. این رأی نشان داد که حتی تحریم‌های ناشی از قطعنامه‌های الزام‌آور بین‌المللی نیز در برابر هنجارهای بنیادین حقوق اتحادیه اروپا مصونیت ندارند.

پس از لازم‌الاجرا شدن معاهده لیسبون، دیوان در یک پرونده^{۵۲} در میلادی گامی فراتر نهاد و با استناد به ماده ۴۷ منشور حقوق بنیادین اتحادیه اروپا^{۵۳} و اصل حاکمیت قانون به‌عنوان ارزش بنیادین اتحادیه^{۵۴}، صلاحیت خود را برای ارائه رأی تفسیری درباره اعتبار تصمیمات سیاست خارجی و امنیتی مشترک^{۵۵} از طریق ارجاع مقامات قضایی ملی احراز کرد (Lenaerts, 2007, 1625). دیوان تأکید کرد

48- Treaty on the Functioning of the European Union- TFEU

49- Common foreign and security policy- CFSP

50- Kadi I

۵۱- از جمله حق دفاع و دادرسی عادلانه

52- Rosneft

۵۳- حق بر دادرسی عادلانه

۵۴- ماده ۲ معاهده اتحادیه اروپا

۵۵- از جمله تحریم‌ها

که محدودیت‌های ماده ۲۷۵^{۵۶} باید به شکلی مضیق تفسیر شوند تا با اصل حمایت قضایی مؤثر^{۵۷} که جوهره حاکمیت قانون است، سازگار باشند. این رأی عملاً دیوان را به مرجع عالی نظارت بر تمامی جنبه‌های تحریم‌های اتحادیه تبدیل کرد.

رویه قضایی دیوان همچنین استانداردهای دقیقی برای توجیه تحریم‌ها وضع کرده است. در یک پرونده^{۵۸} در ۲۰۱۳ میلادی مشخص شد که صرف استناد به ملاحظات کلی امنیتی یا «هم‌افزایی ساختاری» میان دولت و تجارت^{۵۹} برای فهرست‌گذاری اشخاص کافی نیست. شورا موظف است در هر پرونده، «دلیل مشخص، دقیق و همسو»^{۶۰} ارائه دهد که پیوند فرد با اقدامات هدف تحریم را اثبات کند. گزارش پارلمان بریتانیا در ۲۰۱۷ میلادی نیز بهبود چشمگیر کیفیت مستندات توسط شورا را پس از رأی این پرونده تأیید کرده است.

در پرونده دیگری^{۶۱} در ۲۰۱۷ میلادی نیز دیوان ناتوانی شورا در ارائه دلیل موجه برای فهرست‌گذاری یک شرکت ایرانی به مدت سه سال را «نقض به اندازه کافی جدی»^{۶۲} حقوق اتحادیه تلقی و شرکت را مستحق دریافت غرامت^{۶۳} دانست (Matlary, 2018, 59). آخرین تحولات در این حوزه، به‌ویژه پس از تحریم‌های گسترده علیه روسیه در ۲۰۲۲ میلادی، نشان‌دهنده تداوم این دیالکتیک میان ضرورت‌های ژئوپلیتیکی و الزامات حقوقی است.

به تحلیل نگارنده، دیوان عدالت اتحادیه اروپا با رویه قضایی خود، نه به‌عنوان مانعی در برابر کارآمدی تحریم‌ها، بلکه به‌عنوان نهادی که «کارآمدی مشروع» را تضمین می‌کند، ظاهر شده است. تحریم‌هایی که بر پایه شواهد ضعیف، فرض‌های کلی یا ملاحظات سیاسی محض استوار باشند،

56- TFEU

57- Effective Judicial Protection

58- Kadi II

۵۹- مانند روسیه

60 -concrete, precise and consistent evidence

61- Safa Nicu Sepahan

62- sufficiently serious breach

۶۳- پنجاه هزار یورو بابت خسارت معنوی

اگرچه ممکن است در کوتاه‌مدت سریع‌تر اعمال شوند، اما در بلندمدت با خطر ابطال قضایی، مسئولیت مدنی دولت‌ها و بی‌اعتباری سیاسی مواجه می‌گردند. آن‌چه دیوان اروپایی انجام داده، الزام به رعایت «حداقل استانداردهای رویه‌ای»^{۶۴} به‌عنوان شرط لازم برای بقای تحریم‌ها است. این رویکرد، دولت‌ها را وادار می‌کند تا در همان مرحله طراحی تحریم‌ها، به جمع‌آوری مستندات دقیق و ارائه دلایل کافی اهتمام ورزند. از این منظر، دیوان عدالت اتحادیه اروپا با افزایش هزینه‌های حقوقی تحریم‌های خودسرانه، به کارآمدی بلندمدت و پایداری نظام تحریم‌های اتحادیه اروپا یاری رسانده است. بدیهی است که این مسیر، با چالش‌هایی همچون تعارض با نهادهای اجرایی و فشارهای سیاسی همراه است، اما نتیجه نهایی آن، تحریم‌هایی بادوام‌تر و مبتنی بر شواهد خواهد بود.

۳-۳- حقوق بین‌الملل خصوصی و نهادهای داوری (زاویه نوین)

در کنار نهادهای عمومی و منطقه‌ای، حقوق بین‌الملل خصوصی و نهادهای داوری تجاری بین‌المللی به‌عنوان عرصه‌ای نوین و رو به رشد برای تنظیم اثرگذاری تحریم‌ها ظهور یافته‌اند. برخلاف سازمان تجارت جهانی یا دیوان عدالت اتحادیه اروپا که مستقیماً به اعتبارسنجی یا ابطال اقدامات دولت‌ها می‌پردازند، نهادهای داوری در میانه منازعات قراردادی خصوصی قرار دارند و ناگزیر از مواجهه با تعارضی بنیادین هستند: از یک‌سو، الزام به احترام به اراده طرفین و اجرای تعهدات قراردادی؛ از سوی دیگر، الزام به تبعیت از قواعد آمره ناشی از تحریم‌ها که ممکن است اجرای قرارداد را ناممکن یا غیرقانونی سازد.

دیوان‌های داوری معمولاً با تحریم‌ها از سه دریچه مواجه می‌شوند: نخست، به‌عنوان مصداقی از «فورس ماژور»^{۶۵} یا «هاردشیپ»^{۶۶} که امکان معافیت از اجرای تعهدات را فراهم می‌آورد (Ufot&Bortolotti, 2019, 49). دوم، به‌عنوان «قواعد آمره مافوق»^{۶۷} که صرف‌نظر از قانون حاکم بر

64- procedural due process

65- Force Majeure

66- Hardship

67- Overriding Mandatory Provisions

قرارداد، باید اعمال گردند. سوم، در مرحله اجرای رأی، به‌عنوان بخشی از «نظم عمومی» که مطابق ماده ۵ (۲) (ب) کنوانسیون نیویورک مصوب ۱۹۵۸ میلادی، دادگاه‌های ملی می‌توانند به استناد آن از اجرای آرای داوری خودداری کنند (شیروی، ۱۴۰۴، ۱۲۳).

ویژگی منحصر به فرد تحریم‌های یکجانبه در این میان آن است که برخلاف تحریم‌های شورای امنیت سازمان ملل متحد که عموماً بازتاب‌دهنده اجماع بین‌المللی تلقی می‌شوند، وضعیت آن‌ها در نظم عمومی بین‌المللی محل تردید است. رویه قضایی نشان می‌دهد که دادگاه‌های ملی تمایز آشکاری میان این دو قائل شده‌اند؛ برای مثال، دیوان عالی فرانسه در پرونده‌های مرتبط با تحریم‌های ایران علیه ایالات متحده آمریکا، تحریم‌های یکجانبه ایالات متحده آمریکا را فاقد وصف «نظم عمومی بین‌المللی فرانسه» دانست، زیرا نه تنها مورد پذیرش جامعه بین‌المللی نبودند، بلکه اتحادیه اروپا و فرانسه صریحاً با آن‌ها مخالفت کرده بودند (شیروی، ۱۴۰۴، ۲۱۶).

پیچیدگی هنگامی دوچندان می‌شود که تحریم‌های یکجانبه با «مقررات مسدودکننده» مواجه گردند. اتحادیه اروپا با تصویب آیین‌نامه مسدودکننده ۹۶/۲۲۷۱ اصلاحی ۲۰۱۸ میلادی شهروندان و شرکت‌های اروپایی را از تبعیت از تحریم‌های فراسرزمینی ایالات متحده آمریکا منع کرده و هرگونه رأی داوری مبتنی بر آن تحریم‌ها را باطل و غیرقابل اجرا اعلام نموده است. در این وضعیت، داور با معمایی دشوار روبرو است: اگر قرارداد را به دلیل تحریم‌ها فسخ شده تلقی کند، ممکن است ناقض مقررات مسدودکننده بوده و رأی وی در اروپا باطل شود؛ و اگر مقررات مسدودکننده را مبنای تصمیم قرار دهد، اجرای رأی در ایالات متحده آمریکا با مانع مواجه خواهد شد (Paschalis & Arianna, 2025, 327). راه‌حلی که در رویه داوری شکل گرفته، توسل به تحلیل تعارض قوانین و سنجش «وزن منافع» است؛ بدین معنا که داور باید بررسی کند آیا تحریم مورد استناد، حامل ارزش‌های مورد پذیرش جامعه بین‌المللی^{۶۸} است؟ یا صرفاً هدفی سیاسی و یکجانبه را دنبال می‌کند.

تحولات پس از جنگ اوکراین در ۲۰۲۲ میلادی و بسته‌های تحریمی متعاقب آن، رویه قضایی

غنی‌ای در اروپا پدید آورده است. دو رأی متعارض از دادگاه‌های عالی آلمان در کلن در ۲۰۲۴ میلادی و اشتوتگارت در ۲۰۲۵ میلادی تصویری از ابهامات موجود ارائه می‌دهد. در پرونده کلن، دادگاه اجرای رأی داوری به نفع یک شرکت روسی تحریم‌شده را با این قید پذیرفت که وجوه به حسابی مسدود واریز شود تا پس از رفع تحریم‌ها در اختیار خواهان قرار گیرد. اما در پرونده اشتوتگارت، دادگاه از اجرای رأی داوری صادره از اتاق بازرگانی روسیه خودداری کرد، زیرا به استناد بند «عدم مطالبه» مندرج در آیین‌نامه اتحادیه اروپا^{۶۹}، حتی استرداد پیش‌پرداخت نیز در شرایط تحریم ممنوع تلقی شد.

این آرای متعارض نشان می‌دهند که رویه واحد قضایی حتی در سطح ملی نیز شکل نگرفته است. در سطح بین‌المللی، پرونده دعوی بانک‌های ایرانی علیه بحرین در دیوان دائمی داوری لاهه در ۲۰۲۱ میلادی و تأیید آن توسط دادگاه تجدیدنظر لاهه در آوریل ۲۰۲۵ میلادی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. دادگاه با رد ادعای بحرین مبنی بر نقض تحریم‌ها توسط بانک‌های ایرانی، تصریح کرد که تخلفات باید «جدی و فراگیر» باشند تا بتواند موجب رد دعوا بر اساس دکترین «دست‌های پاک»^{۷۰} گردد و صرف تخلفات پراکنده که مرتفع شده‌اند، برای این امر کافی نیست (Paschalis&Arianna,2025,330). این رأی نشان داد که حتی در موضوع تحریم‌های بین‌المللی، دکترین‌های کهن حقوقی کماکان کارآمدی خود را حفظ کرده‌اند.

به تحلیل نگارنده، نهادهای داوری و حقوق بین‌الملل خصوصی را می‌توان «آزمایشگاه عملی» کارآمدی تحریم‌ها دانست. در حالی که نهادهای عمومی در سطح کلان به مشروعیت‌سنجی تحریم‌ها می‌پردازند، داوران تجاری با انبوهی از قراردادهای خصوصی مواجه‌اند که تحریم‌ها سرنوشت آن‌ها را به کلی دگرگون کرده است. آن چه در این میان آشکار می‌شود، «تکه‌تکه شدن»^{۷۱} نظام حقوقی

تحریم‌ها است. رأیی که در سنگاپور یا قاهره^{۷۲} صادر می‌شود، ممکن است با رأی دادگاه آلمان یا فرانسه در مرحله اجرا کاملاً متفاوت باشد. این وضعیت، نه تنها به پیش‌بینی‌پذیری حقوق تجارت بین‌الملل آسیب می‌زند، بلکه کارآمدی تحریم‌ها را نیز با تردید مواجه می‌سازد، زیرا فعالان اقتصادی همواره می‌توانند با انتخاب محل داوری مناسب، از دامنه شمول تحریم‌ها بکاهند. از این منظر، داوری تجاری بین‌المللی نه تنها به مهار تحریم‌ها یاری نمی‌رساند، بلکه با ارائه راه‌های گریز، کارآمدی آن‌ها را در عمل کاهش می‌دهد. با این حال، رویه قضایی متأخر دادگاه‌های اروپایی^{۷۳} نشان می‌دهد که اراده سیاسی دولت‌های تحریم‌کننده برای غلبه بر این چالش و تحمیل الزامات خود حتی بر فرایند داوری، رو به افزایش است.

۴- چالش‌های عملی و مرزهای ناکارآمدی نهادها

پس از واکاوی کارویژه‌های سه‌گانه نهادهای بین‌المللی در تنظیم و تحدید تحریم‌ها، اینک نوبت به پرسشی بنیادین می‌رسد: مرزهای ناکارآمدی این نهادها کجا است و چه عواملی مانع تحقق کامل اهداف هنجارسازانه آن‌ها می‌گردد؟ اگرچه نهادهای مستقل بین‌المللی در مشروعیت‌بخشی و ایجاد رویه‌های منسجم موفق بوده‌اند، اما در عمل با چالش‌های عمیقی مواجه‌اند که از بحران مشروعیت و نبود ضمانت اجرای مؤثر تا سیاست‌زدگی فرایندهای قضایی و مقاومت دولت‌ها در برابر قانون‌مداری و نهایتاً تعارض صلاحیت‌ها و تکه‌تکه شدن نظام حقوقی تحریم‌ها را دربرمی‌گیرد. این چالش‌ها نه تنها کارآمدی نهادها را در مهار تحریم‌های یکجانبه با تردید مواجه ساخته، بلکه پرسش‌های تازه‌ای درباره آینده نظم حقوقی تجارت بین‌الملل در عصر ژئوپلیتیک مطرح کرده‌اند.

۴-۱- بحران مشروعیت و ضمانت اجرا

نهادهای بین‌المللی با وجود نقش مؤثر خود در تنظیم تحریم‌ها، با دو چالش بنیادین مواجه‌اند که

۷۲- به‌عنوان محل‌های خنثی

۷۳- به‌ویژه رأی اشتوتگارت

مرزهای کارآمدی آن‌ها را ترسیم می‌کند: بحران مشروعیت^{۷۴} و نبود ضمانت اجرای مؤثر.^{۷۵} این دو چالش که ارتباطی تنگاتنگ با یکدیگر دارند، توانایی نهادها را در اعمال حاکمیت قانون بر فرایندهای تحریمی به شدت محدود ساخته است. بحران مشروعیت در عملکرد نهادهای بین‌المللی ریشه در ساختار قدرت و فرایندهای تصمیم‌گیری آن‌ها دارد. شورای امنیت سازمان ملل متحد به‌عنوان عالی‌ترین نهاد مسئول حفظ صلح و امنیت بین‌المللی، از دهه ۱۹۹۰ میلادی با اعمال تحریم‌های هدفمند، عملاً به قانون‌گذاری برای افراد و نهادها مبادرت ورزیده است، اما سازوکارهای تضمین‌کننده حقوق بنیادین این اشخاص در فرایند فهرست‌گذاری همواره محل مناقشه بوده است. رویه شورای امنیت سازمان ملل متحد در تشکیل جلسات غیرعلنی کمیته‌های تحریم و عدم ارائه دلایل کافی برای فهرست‌گذاری افراد، به‌ویژه در پرونده‌های مشهور نزد دیوان عدالت اتحادیه اروپا^{۷۶}، بحران مشروعیت این نهاد را آشکار ساخت.

تلاش‌های شورای امنیت سازمان ملل متحد برای پاسخ به این انتقادات، از جمله ایجاد نهاد «بازرس مستقل»^{۷۷} در ۲۰۰۹ میلادی^{۷۸} و تقویت آن در سال‌های بعد، هرچند گامی مثبت بود، اما هرگز به ایجاد یک سازوکار قضایی مستقل با قدرت تصمیم‌گیری الزام‌آور نینجامید (Fabbricotti, 2012, 976). آخرین تحول در این زمینه، تصویب قطعنامه ای^{۷۹} در ژوئیه ۲۰۲۴ میلادی است که مکانیسم «نقطه قانونی» را برای رسیدگی به درخواست‌های حذف از فهرست تحریم‌های غیر از القاعده و داعش تقویت کرد. این مکانیسم جدید، اگرچه نسبت به «صندوق پستی» صرف پیشین ارتقاء یافته و فرایندی شامل جمع‌آوری اطلاعات و گفت‌وگو با فرد تحریم‌شده را پیش‌بینی کرده است، اما همچنان فاقد قدرت ارائه «توصیه» است و به مراتب ضعیف‌تر از بازرس مستقل عمل

74- Legitimacy Crisis

75- Enforcement Deficit

77- Ombudsperson

۷۶- مانند پرونده Kadi

۷۸- قطعنامه شماره ۱۹۰۴

۷۹- شماره ۲۷۴۴

می‌کند. بدین ترتیب، نظام دوگانه‌ای در دادرسی‌های تحریمی سازمان ملل متحد ایجاد شده که در آن اتباع القاعده و داعش از حمایت‌های رویه‌ای بیشتری نسبت به سایر افراد تحت تحریم برخوردارند؛ وضعیتی که خود بر بحران مشروعیت این نهاد می‌افزاید.

چالش ضمانت اجرا نیز به همان اندازه بنیادین است. آرای نهادهای قضایی بین‌المللی، حتی در مواردی که صادر می‌شوند، در برابر مقاومت قدرت‌های بزرگ عملاً ناکارآمد می‌مانند. دیوان بین‌المللی دادگستری به‌عنوان عالی‌ترین نهاد قضایی ملل متحد، در چندین پرونده مهم از جمله نقض معاهده مودت مصوب ۱۹۵۵ میلادی توسط ایالات متحده آمریکا علیه ایران رأی صادر کرده است، اما این آراء با بی‌اعتنایی عملی دولت محکوم‌شده مواجه شده‌اند (جعفرزاده و همکاران، ۱۴۰۱، ۳۷۶۸). این وضعیت منحصر به دیوان لاهه نیست. تحولات سال ۲۰۲۵ میلادی درباره دیوان کیفری بین‌المللی نمونه‌ای آشکار از این بحران است. ایالات متحده آمریکا در فوریه ۲۰۲۵ دادستان دیوان کیفری بین‌المللی را تحریم کرد و سپس در ژوئن و اوت همان سال، چهار قاضی و دو معاون دادستان این دیوان را به فهرست تحریم‌های خود افزود. این تحریم‌ها عملاً دسترسی مقامات قضایی دیوان را به خدمات بانکی و پشتیبانی‌های فنی قطع کرد و حساب ایمیل رسمی دادستان مسدود گردید.

چنین اقداماتی نشان می‌دهد که قدرت‌های بزرگ، حتی نهادهایی را که خود عضو آن‌ها نیستند، با ابزار تحریم هدف قرار می‌دهند و توانایی آن‌ها را برای اجرای وظایفشان به شدت محدود می‌سازند. علاوه بر این، اجرای تحریم‌ها در سطح ملی نیز با چالش‌هایی مواجه است. اتحادیه اروپا با تصویب دستورالعملی^{۸۰} در مه ۲۰۲۴ میلادی، تلاش کرده است قوانین کیفری کشورهای عضو در زمینه نقض تحریم‌ها را هماهنگ سازد و مجازات‌های حداقلی از جمله حبس^{۸۱} و جریمه‌های سنگین برای شرکت‌ها^{۸۲} پیش‌بینی کند. اما اجرای مؤثر این قوانین همچنان به اراده سیاسی و ظرفیت قضایی

۸۰- شماره ۱۱۲۶/۲۰۲۴

۸۱- از یک تا پنج سال

۸۲- تا پنج درصد از گردش مالی

کشورهای عضو وابسته است و تفاوت‌های قابل توجهی در عملکرد کشورهای مختلف مشاهده می‌شود (Riccardi, 2020, 72). برای مثال، گزارش‌های مربوط به نقض تحریم‌های روسیه توسط گروه واگنر در آفریقا نشان می‌دهد که حتی گزارش‌های مستند گروه‌های کارشناسی سازمان ملل متحد نیز در بسیاری موارد به اقدام عملی از سوی کمیته‌های تحریم منجر نمی‌شود.

به تحلیل نگارنده، بحران مشروعیت و ضعف ضمانت اجرا، دو روی یک سکه هستند. نهادهایی که در فرایندهای خود استانداردهای دادرسی عادلانه را رعایت نمی‌کنند، در بلندمدت مشروعیت خود را نزد افکار عمومی و حتی دولت‌های عضو از دست می‌دهند. این کاهش مشروعیت، تبعیت از آرای آن‌ها را با تردید مواجه می‌سازد. از سوی دیگر، ناتوانی در ضمانت اجرای آرای صادره علیه قدرت‌های بزرگ، اعتبار نهادهای بین‌المللی را به شدت مخدوش کرده است. تحریم‌های ایالات متحده امریکا علیه مقامات دیوان کیفری بین‌المللی در سال ۲۰۲۵ میلادی، نمونه‌ای بارز از «ابزارسازی معکوس»^{۸۳} است؛ جایی که قدرت‌های بزرگ از همان ابزار تحریم برای تضعیف نهادهای ناظر بر تحریم‌ها استفاده می‌کنند. در چنین شرایطی، آینده حقوق بین‌الملل در گرو احیای توازن قوا و ایجاد سازوکارهایی است که بتواند قدرت‌های بزرگ را نیز در چهارچوب قانون ملزم به تبعیت سازد. تا آن زمان، نهادهای بین‌المللی در بهترین حالت، «نظامی هنجاری بدون شمشیر»^{۸۴} باقی خواهند ماند که کارآمدی آن‌ها بیش از آن که ناشی از قدرت اجرایی ذاتی‌شان باشد، به اراده سیاسی دولت‌ها وابسته است.

۴-۲- سیاست‌زدگی در مقابل قانون‌مداری

چالش دوم و شاید بنیادی‌ترین مانع پیش روی نهادهای بین‌المللی در حوزه تحریم‌ها، تنش دائمی میان «سیاست‌زدگی» و «قانون‌مداری» است. این تقابل زمانی آشکار می‌شود که قدرت‌های بزرگ، نهادهای قضایی مستقل را نه به مثابه داوران بی‌طرف، بلکه به‌عنوان ابزاری برای پیشبرد منافع ژئوپلیتیکی خود تلقی کرده و در مواردی که آرای این نهادها با منافع آنان در تعارض قرار می‌گیرد، با توسل به ابزارهای

83- Reverse tooling

84- normative system without a sword

سیاسی^{۸۵} به مقابله با آن‌ها برمی‌خیزند. این وضعیت، مرزهای کارآمدی نهادها را به روشنی ترسیم می‌کند: آن‌جا که اراده سیاسی دولت‌های قدرتمند در کار باشد، قانون‌مداری رنگ می‌بازد.

آخرین تحولات مربوط به دیوان کیفری بین‌المللی در سال ۲۰۲۵ میلادی، نمونه‌ای بارز و هشداردهنده از این تناقض است. پس از آن که قضاوت دیوان کیفری بین‌المللی در نوامبر ۲۰۲۴ میلادی حکم بازداشت بنیامین نتانیاهو، نخست‌وزیر اسرائیل و یوآو گالانت، وزیر جنگ پیشین وی، را به اتهام جنایات جنگی و جنایت علیه بشریت در نوار غزه صادر کردند، ایالات متحده آمریکا به تدریج کارزار تحریم‌ها علیه مقامات قضایی این نهاد را تشدید نمود. در فوریه ۲۰۲۵ میلادی، دونالد ترامپ رئیس‌جمهور وقت ایالات متحده آمریکا با صدور فرمان اجرایی^{۸۶}، دیوان کیفری بین‌المللی را در ردیف «تهدیدهای امنیت ملی» قرار داد. این کارزار تا دسامبر ۲۰۲۵ میلادی ادامه یافت؛ آن‌جا که مارکو رویو، وزیر امور خارجه ایالات متحده آمریکا، دو قاضی دیگر دیوان کیفری بین‌المللی را نیز تحریم کرد و شمار قضاوت و دادستان‌های تحریم‌شده را به دست کم یازده نفر رساند. وزارت خارجه ایالات متحده آمریکا دیوان کیفری بین‌المللی را به «سیاسی‌کاری، سوءاستفاده از قدرت و اقدامات قضایی غیرقانونی» متهم کرد.

این تحریم‌ها که شامل مسدودسازی دارایی‌ها، محدودیت‌های بانکی و ممنوعیت سفر حتی برای اعضای خانواده قضاوت می‌شد، فراتر از یک اقدام نمادین بود و مستقیماً زندگی روزمره قضاوت را هدف گرفت؛ گزارش‌ها حاکی از لغو کارت‌های اعتباری، اختلال در خدمات دیجیتال و محدودیت‌های اداری برای آنان است. دیوان کیفری بین‌المللی در واکنش، این اقدامات را «حمله‌ای آشکار به استقلال یک نهاد قضایی بی‌طرف» و «توهینی به نظم جهانی مبتنی بر قانون» خواند. کمیسر عالی حقوق بشر سازمان ملل متحد نیز هشدار داد که تحریم قضاوت «حاکمیت قانون را تهدید می‌کند و به جهان این پیام را می‌دهد که در برابر فجایع، این قدرت است که حکم می‌راند، نه عدالت» (داعی الاسلام، ۱۴۰۱، ۱۵۴).

۸۵- از جمله خود تحریم

۸۶- شماره ۱۴۲۰۳

این وضعیت منحصر به دیوان کیفری بین‌المللی نیست. دیوان بین‌المللی دادگستری نیز در پرونده نقض معاهده مودت در ۱۹۵۵ میلادی توسط ایالات متحده امریکا علیه ایران، با بی‌اعتنایی عملی دولت محکوم‌علیه مواجه شد. همچنین، در پرونده نیکاراگوئه علیه ایالات متحده امریکا در ۱۹۸۶ میلادی، دیوان بین‌المللی دادگستری رأی به نفع نیکاراگوئه صادر کرد، اما ایالات متحده امریکا با وتوی قطعنامه الزام‌آور شورای امنیت سازمان ملل متحد برای اجرای رأی، عملاً آن را بی‌اثر ساخت. از سوی دیگر، پژوهش‌های آکادمیک نشان می‌دهد که نظام تحریم‌گرایی ایالات متحده امریکا خود با چالش‌های داخلی متعددی از جمله «اینرسی بوروکراتیک» در فرایند لغو تحریم‌ها، پیچیدگی فزاینده قواعد تحریمی، و نبود نظام جامع برای ارزیابی اثربخشی تحریم‌ها مواجه است. این وضعیت نشان می‌دهد که سیاست‌زدگی نه تنها در سطح بین‌المللی، بلکه در ساختار داخلی دولت‌های تحریم‌کننده نیز مانع تحقق قانون‌مداری می‌گردد.

به تحلیل نگارنده، سیاست‌زدگی در برابر قانون‌مداری، نمودار «استثناگرایی»^{۸۷} قدرت‌های بزرگ در برابر نظم حقوقی بین‌المللی است. آن چه تحریم قضات دیوان کیفری بین‌المللی در ۲۰۲۵ میلادی آشکار ساخت، نه یک اختلاف سیاسی ساده، بلکه آزمونی جدی برای نسبت «قدرت» و «عدالت» در نظام بین‌الملل بود. اقدام ایالات متحده امریکا در هدف قرار دادن مستقیم قضات، پیامی روشن به سایر مقامات قضایی مخابره کرد: رسیدگی به پرونده‌های حساس^{۸۸} هزینه‌ای فراتر از چهارچوب حقوقی خواهد داشت. این رویکرد، «بازدارندگی درون‌نهادی» ایجاد می‌کند که استقلال قضات را پیش از ورود به پرونده‌ها هدف قرار می‌دهد. نکته تأسف‌بار آن که ایالات متحده امریکا و روسیه که در اغلب موارد در تقابل با یکدیگرند، در تضعیف دیوان کیفری بین‌المللی هم‌صدا شده‌اند. این وضعیت، بحران مشروعیت را تشدید کرده و این ذهنیت را در «جنوب جهانی» تقویت می‌کند که عدالت بین‌المللی نه یک سازوکار بی‌طرف، بلکه ابزاری گزینشی در خدمت قدرت‌های مسلط است.

87- Exceptionalism

۸۸- به‌ویژه مرتبط با اسرائیل یا منافع ایالات متحده امریکا

۴-۳- تعارض صلاحیت‌ها

تعارض صلاحیت‌ها^{۸۹} به‌عنوان یکی از چالش‌های بنیادین فراروی نهادهای بین‌المللی در حوزه تحریم‌ها، ناظر بر وضعیتی است که در آن نهادهای قضایی و شبه‌قضایی متعدد با صلاحیت‌های موازی یا متداخل، آرای متعارض صادر کرده و به تکه‌تکه شدن نظام حقوقی تحریم‌ها دامن می‌زنند. این تعارض نه تنها به پیش‌بینی ناپذیری حقوق تجارت بین‌الملل می‌انجامد، بلکه کارآمدی تحریم‌ها را نیز با تردید مواجه می‌سازد. نخستین سطح تعارض، میان نهادهای قضایی منطقه‌ای و بین‌المللی ظهور یافته است. رأی دیوان عدالت اتحادیه اروپا در یک پرونده^{۹۰} در ۲۰۲۱ میلادی که به دولت ونزوئلا اجازه داد به‌عنوان «شخص حقوقی» علیه تحریم‌های اتحادیه اروپا اقامه دعوا کند، با دیدگاه سنتی حقوق بین‌الملل که صلاحیت محاکم ملی را محدود به اشخاص خصوصی می‌دانست، در تعارض قرار گرفت. در مقابل، دیوان بین‌المللی دادگستری در قضایایی مانند نقض معاهده مودت ۱۹۵۵ میلادی، بر اصل مصونیت قضایی دولت‌ها تأکید می‌ورزد (Lonardo&Ruiz Cairó, 2022, 126).

این دوگانگی، وضعیتی پارادوکسیکال ایجاد کرده که در آن دولت‌ها هم امکان دسترسی به دیوان لاهه و هم به محاکم ملی یکدیگر را دارند، هر کدام با قواعد و رویه‌های خاص خود. عمیق‌ترین سطح تعارض، در تقابل دادگاه‌های ملی با نهادهای داوری تجاری بین‌المللی ظهور یافته است. تصویب ماده ۲۴۸ قانون آیین دادرسی داوری روسیه در ۲۰۲۰ میلادی که به دادگاه‌های این کشور صلاحیت انحصاری برای رسیدگی به دعاوی مرتبط با اشخاص تحریم‌شده اعطاء می‌کند، موجی از تعارضات را ایجاد کرده است. در پاسخ، دادگاه‌های انگلستان با صدور «قرارهای منع دعوی»^{۹۱} در پرونده‌هایی در ۲۰۲۳ میلادی^{۹۲} و در ۲۰۲۴ میلادی^{۹۳} تلاش کرده‌اند از موافقتنامه‌های داوری حمایت کنند. جدیدترین تحول، رأی دادگاه تجدیدنظر انگلستان در یک پرونده^{۹۴} در ژانویه

89- Conflict of jurisdiction

90- Venezuela v Council

91- Anti-Suit Injunctions

92- Deutsche Bank v. RusChemAlliance

93- UniCredit v. RusChem

94- EuroChem v. Tecnimont

۲۰۲۶ میلادی است که با تأکید بر الزام‌آوری موافقتنامه داوری، قرار منع دعوی صادره را تأیید کرد. سطح دیگری از تعارض، در عرصه داوری سرمایه‌گذاری بین‌المللی ظهور یافته است. در پی مسدودسازی حدود سیصد میلیارد دلار از دارایی‌های روسیه در اروپا، چهار تبعه روسی در سپتامبر ۲۰۲۵ میلادی بلژیک را با تهدید به داوری سرمایه‌گذاری بر اساس معاهده دوجانبه ۱۹۸۹ میلادی شوروی-بلژیک مواجه کردند. آنان استدلال می‌کنند که مسدودسازی دارایی‌هایشان^{۹۵} نقض تضمین «انتقال آزاد وجوه» در معاهده مذکور است. این وضعیت تعارضی سه‌گانه را نمایان می‌سازد: تعهد بلژیک به اجرای مقررات اتحادیه اروپا، تعهدات بین‌المللی آن ذیل معاهده دوجانبه و صلاحیت موازی دیوان داوری و دیوان عدالت اتحادیه اروپا. نهایتاً، تعارض به عرصه حقوق کیفری بین‌المللی نیز کشیده شده است (Reynolds, 2024, 33).

در پی صدور قرار بازداشت برای مقامات اسرائیلی توسط دیوان کیفری بین‌المللی در نوامبر ۲۰۲۴ میلادی، ایالات متحده آمریکا از فوریه تا اوت ۲۰۲۵ میلادی دست‌کم یازده نفر از قضات و دادستان‌های این دیوان را تحریم کرد. این تحریم‌ها شامل مسدودسازی دارایی‌ها و محدودیت‌های بانکی بود و عملاً مانع اجرای صلاحیت دیوان کیفری بین‌المللی شد. در این جا، تعارضی بنیادین میان نهادی که خود را صلاحیت‌دار برای رسیدگی به جنایات بین‌المللی می‌داند و قدرت‌های بزرگی که با توسل به ابزار تحریم، قضات را هدف قرار می‌دهند، رخ داده است.

به تحلیل نگارنده، تعارض صلاحیت‌ها را باید به مثابه «وضعیت عادی» حقوق بین‌الملل در عصر ژئوپلیتیک تلقی کرد. تعدد نهادها، نبود سلسله‌مراتب روشن، و اصرار هر یک بر تفسیر موسع از صلاحیت خود، به تکه‌تکه شدن نظام حقوقی انجامیده است. این وضعیت پیش‌بینی‌پذیری حقوق تجارت را کاهش داده، به «دادگاه‌گزینی» دامن زده، و به قدرت‌های بزرگ امکان داده تا با ابزارهایی مانند تحریم قضات، نهادهای نامطلوب را تضعیف کنند. تا زمانی که جامعه بین‌المللی بر سر سلسله‌مراتب روشن میان نهادها به توافق نرسد، این تعارضات نه تنها باقی خواهند ماند، بلکه تشدید نیز خواهند شد.

۹۵- با وجود آن که شخصاً تحریم نشده‌اند

نتیجه

پژوهش حاضر با هدف پاسخ به این پرسش بنیادین طراحی شد که نهادهای مستقل بین‌المللی چگونه و با چه سازوکارهایی بر افزایش یا کاهش کارآمدی تحریم‌ها در نظام حقوق تجارت بین‌الملل تأثیر می‌گذارند؟ یافته‌های این پژوهش که با بررسی تطبیقی عملکرد سازمان تجارت جهانی، دیوان عدالت اتحادیه اروپا، دیوان بین‌المللی دادگستری و نهادهای داوری تجاری بین‌المللی به دست آمده است، نشان می‌دهد که این نهادها نقشی دوگانه و درعین حال حیاتی ایفاء می‌کنند. نهادهای مستقل بین‌المللی در کوتاه‌مدت ممکن است با ایجاد محدودیت‌های حقوقی و رویه‌ای، اجرای سریع و بی‌دغدغه تحریم‌ها را با مانع مواجه سازند. آرای دیوان عدالت اتحادیه اروپا در پرونده‌های کادی و صفا نیکوی سپاهان، الزام به رعایت حقوق دفاعی و دادرسی عادلانه را بر شورای اتحادیه اروپا تحمیل کرده و هزینه‌های حقوقی تحریم‌های خودسرانه را افزایش داده است. همچنین، رویه پنل‌های سازمان تجارت جهانی در یک پرونده^{۹۶}، با تفکیک عناصر عینی و ذهنی ماده ۲۱ گات، مانع از آن شده است که استثنائات امنیتی به کارت خروج نامحدود از تعهدات تجاری تبدیل شوند.

با این حال، این موانع رویه‌ای را نباید به معنای ناکارآمدی تحریم‌ها تلقی کرد. آن چه از مجموع یافته‌های این پژوهش برمی‌آید، تأیید فرضیه اولیه مبنی بر «کارآمدی مشارکتی» است. نهادهای مستقل بین‌المللی با مشروعیت‌بخشی، ایجاد شفافیت و شکل‌دهی به رویه‌های منسجم، به کارآمدی پایدار و سیستماتیک رژیم‌های تحریمی در بلندمدت یاری می‌رسانند. تحریم‌هایی که در چهارچوب هنجارهای نهادی طراحی و اعمال شوند، از مشروعیت بیشتری برخوردارند، هزینه‌های اجرایی کمتری دارند و در برابر چالش‌های قضایی مقاوم‌ترند. به بیان دیگر، نهادهای مستقل با الزام دولت‌ها به رعایت استانداردهای حداقلی^{۹۷}، کیفیت تحریم‌ها را ارتقاء می‌بخشند و آن‌ها را از اقدامات صرفاً تنبیهی به ابزارهایی بادوام و مبتنی بر شواهد تبدیل می‌کنند.

با وجود این دستاوردها، پژوهش حاضر مرزهای ناکارآمدی نهادها را نیز آشکار ساخته است. بحران مشروعیت ناشی از فقدان دادرسی عادلانه در کمیته‌های تحریم شورای امنیت سازمان ملل متحد، ناتوانی در ضمانت اجرای آرای صادره علیه قدرت‌های بزرگ^{۹۸} و تعارض صلاحیت‌های فزاینده میان نهادهای مختلف، از جمله چالش‌هایی هستند که کارآمدی نهادها را به شدت محدود می‌سازند. تحریم قضات دیوان کیفری بین‌المللی توسط ایالات متحده آمریکا در ۲۰۲۵ میلادی، نمونه‌ای هشداردهنده از «ابزارسازی معکوس» است؛ جایی که قدرت‌های بزرگ از همان ابزار تحریم برای تضعیف نهادهای ناظر بر تحریم‌ها استفاده می‌کنند.

در نتیجه، آینده کارآمدی تحریم‌ها در گرو تحقق چند شرط اساسی است: نخست، احیای نظام حل اختلاف سازمان تجارت جهانی و ایجاد سلسله‌مراتب روشن میان نهادهای قضایی بین‌المللی برای کاهش تعارض صلاحیت‌ها؛ دوم، اصلاح فرایندهای فهرست‌گذاری در شورای امنیت سازمان ملل متحد و نهادهای منطقه‌ای به منظور رعایت استانداردهای دادرسی عادلانه؛ سوم، طراحی تحریم‌های هوشمند با تکیه بر مستندات دقیق و شواهد قابل دفاع در برابر مراجع قضایی. تا زمانی که این شرایط محقق نشود، نهادهای بین‌المللی در بهترین حالت «نظمی هنجاری بدون شمشیر» باقی خواهند ماند که کارآمدی آن‌ها بیش از آن که ناشی از قدرت اجرایی ذاتی‌شان باشد، به اراده سیاسی دولت‌ها وابسته است. باین‌حال، دستاورد مهم این پژوهش آن است که حتی در شرایط کنونی، نهادهای مستقل با الزام به رعایت هنجارهای بنیادین، از سقوط کامل نظام تحریم‌ها به ورطه خودسری مطلق جلوگیری کرده و افق‌های تازه‌ای برای تحقق حاکمیت قانون در عرصه ژئوپلیتیک گشوده‌اند.

ملاحظات اخلاقی: موارد مربوط به اخلاق در پژوهش و نیز امانتداری در استناد به متون و ارجاعات مقاله تماماً رعایت گردیده است.

تعارض منافع: تعارض منافع در این مقاله وجود ندارد.

تأمین اعتبار پژوهش: این پژوهش بدون تأمین اعتبار مالی نگارش یافته است.

۹۸- چنان که در بی‌اعتنایی ایالات متحده آمریکا به رأی دیوان لاهه در پرونده معاهده مودت در ۱۹۵۵ میلادی مشاهده شد

منابع

فارسی

- جعفرزاده، عباس و همکاران، ۱۴۰۱، بررسی ضمانت اجرای نقض و دور زدن تحریم‌ها از منظر حقوق بین‌الملل، **فصلنامه جامعه‌شناسی سیاسی ایران**، شماره ۵.
- حجازی، سیدام‌الدین و صلح چی، محمدعلی، ۱۴۰۱، تحلیل حقوقی تفسیر پویا از منظر رویه دیوان بین‌المللی دادگستری، **فصلنامه پژوهش‌های حقوقی**، شماره ۵۱.
- داعی الاسلام، سیدسعید، ۱۴۰۱، تحریم قضات دیوان کیفری بین‌المللی توسط ایالات متحده امریکا در پرتو قواعد حقوق بین‌الملل، **فصلنامه تمدن حقوقی**، شماره ۵.
- شهابی، سهراب و شاه بیگ، حسن، ۱۳۹۵، نقش و جایگاه کشورهای در حال توسعه در صندوق بین‌المللی پول پس از بحران جهانی ۲۰۰۸، **فصلنامه سازمان‌های بین‌المللی**، شماره ۱.
- شیروی، عبدالحسین، ۱۴۰۴، **داوری تجاری بین‌المللی**، چاپ هفدهم، تهران، انتشارات سمت.
- عزیزی، ستار و موسوی، سیدمهدی، ۱۳۹۵، پرونده گابچیکوو ناگیماروس: نقش دیوان بین‌المللی دادگستری در برجسته‌سازی مفهوم توسعه پایدار، **فصلنامه حقوقی بین‌المللی**، شماره ۵۵.
- گنج‌بخش، محمود، ۱۴۰۱، **تحریم‌های اقتصادی و غیراقتصادی در حقوق بین‌الملل**، چاپ اول، تهران، انتشارات جادوی قلم.
- ماتام فارال، جرمی، ۱۳۹۹، **تحریم‌های سازمان ملل متحد و حاکمیت قانون**، ترجمه مجید عباسی و احمدرضا عصار، چاپ اول، تهران، انتشارات میزان.

لاتین

- Bogdanova, Iryna, 2021, Targeted economic sanctions and WTO law: Examining the adequacy of the national security exception, *Legal Issues of Economic Integration* 48. 2.
- Dupont, Pierre-Emmanuel, 2025, An Overview of Some Legal Issues Concerning Unilateral Sanctions, Published online by Cambridge University Press.
- Fabbri, Alberta, 2012, *The Max Planck Encyclopedia of Public International Law*. Vol. 7. OXFORD UNIV PRESS, GREAT CLARENDON ST, OXFORD OX2 6DP, ENGLAND.
- Felbermayr, Gabriel, et al. , 2021, Understanding economic sanctions: Interdisciplinary

- perspectives on theory and evidence, *European Economic Review* 135.
- Lenaerts, Koen, 2007, Rule of Law and the Coherence of the Judicial System of the European Union, *The, Common Market L. Rev.* 44.
 - Lonardo, Luigi, & Ruiz Cairó, Elisabet, 2022, The European Court of Justice allows third countries to challenge EU restrictive measures: Case C-872/19 P, *Venezuela v Council, European Constitutional Law Review* 18. 1.
 - Matlary, Janne Haaland, 2018, *Russian Revisionism, Hard Power in Hard Times: Can Europe Act Strategically?*, Cham: Springer International Publishing.
 - Mendenhall, James, & Solovy, Eric M. , 2024, The protection of Intellectual Property Rights through WTO dispute settlement, *Research Handbook on Intellectual Property Rights and Arbitration*. Edward Elgar Publishing.
 - Paschalis Paschalidis & Rosato, Arianna, 2025, Jurisdiction over Claims for Expropriation Arising Out of USSR and First-Generation Chinese BITs: An Endless Debate?, *Legal Issues of Economic Integration, Volume 52, Issue 4*.
 - Reynolds, Michael, 2024, Of Conflicting Laws and Recognition: *Unicredit Bank GmbH v Ruschemalliance LLC, The Company Lawyer* 47. 10.
 - Riccardi, Alice, 2020, UNSC sanctions regimes and the ICC: Arguments against cooperation for arrest and investigative purposes in light of defendants' rights, *Defendants and Victims in International Criminal Justice*.
 - Ufot, Dorothy, & Bortolotti, Fabio, 2019, *Hardship and Force Majeure in International Commercial Contracts*.
 - Voon, Tania, 2020, Russia measures concerning traffic in transit, *American Journal of International Law* 114. 1.
 - Yoo, Ji Yeong, & Dukgeun, Ahn, 2016, Security exceptions in the WTO system: bridge or bottle-neck for trade and security?, *Journal of International Economic Law* 19. 2.

Legal Civilization

ISSN: 2873-1841
ISSN: 2873-1922

No.27- Spring 2026

- Burden of Proof and Admissibility and of Evidence in International Commercial Arbitration
Homayoun Mafi, Maedeh Asgharzadeh
- Analysis the Practice of Determining the Jurisdiction of the International Criminal Court to Adjudicate Forced Marriage
Mohammad Hossein Ramezani Ghavamabadi, Pouria Ebrahimzadeh
- Legal Rethinking of the Use of Artificial Intelligence for the Enforcement of Punishment
Amirreza Mahmoudi, Anusha Zafari Kore Tash
- Federative Rights in Football: Approaches of the Legal Systems of Iran, France, England, Argentina, Brazil, Spain and Colombia
Behnam Noorzadeh
- Conflict of the Regulation of the Third Article of the Mandatory Formal Registration of Immovable Properties with Laws and Legal Principles
Akbar Iman Poor, Sahand Nejadi Ijadkar
- Criminal Personality and Its Relationship with Effective Punishment
Maryam Bahmai, Mostafa Karamipour
- Challenges and Obstacles to Interpreting Contracts in Iranian Law
Farzin Yazdan Panah, Mohammadreza Nasiri
- Measures to Prevent Financial Corruption in the Banking System
Alireza Deraei, Sayyed Ebrahim Mortazavi, Amirhasan Abolhasani
- Divorce at the Request of the Woman in the Iranian Legal System
Mohammad Ahmadi, Helma Sadat Zorrieh Kermanshahi
- Assessing the Criminal Nature of Online Lotteries in Iranian Law
Mohammadhossein Hajeb, Zahra Rabbani, Roya Asiaei
- Mutual Sale Contract in the Iranian Legal System
Sadegh Mohebbi, Mohammadali Jahani
- Features and Characteristics of Cybercrimes in the Iranian Criminal System
Seyedeh Elaheh Babonaki
- Studying the Right to Employment of Women in International Law
Habibolah Abdollah Poor, Sama Khodayari
- The Effectiveness of Security and Educational Measures in the Resocialization of Juvenile Delinquents; A Case Study of Shahid Fakhmideh Judicial Complex
Leila Ahadi
- Retaliation in the Quran and its Place in Islamic Penal Policy
Rojin Masoudi, Jamal Rezaei Hossein Abadi
- a Legal Analysis of the Regulatory Structure of the Unorganized Monetary Market in Iran: from Conceptual Ambiguities to Legislative and Executive Challenges
Ali Babaei
- The Impact of Independent International Institutions on the Effectiveness of Sanctions in International Trade Law
Elahe Ghorban Karimi
- Based on the Best Interests of the Child; an Analysis of Custody with a Legal, Jurisprudential and Psychological Approach to Identifying Legislative Gaps
Mona Komeyli
- Human Rights-Based Rehabilitation and Its Limitations in the Iranian Penal System
Amin Reza Bahar Falamarzi
- an Analysis of Strict Civil Liability in Chemical Industry Accidents; a Case Study of Iranian Methanol Production Units
Mohammad Jokar, Sasan Vazin Pour
- Pathology of Lethal Punishment in Iranian Criminal Law
Mohammadreza Rezaei
- Implementing Regulations on Land Nationalization, Especially Endowment Lands, with Emphasis on Judicial Practice
Esmail Chogani
- International Criminal Policy Against Genocide: A Comparative Analysis in International Criminal Tribunals
Ali Hadian Haghighi, Saber Sayyari Zohan
- Criminological Analysis of Kolbari in the Border Areas of Iran and its Comparison with the Kalba
Morteza Hashem Pour
- Legal Challenges and Harms of Unauthorized Accredited Institutions in the Iranian Monetary System
Amin Aminl Nezhad
- The Impact of Prefrontal Cortex Dysfunction on Criminal Responsibility in the Crime of Intentional Murder
Hamid Ghiasi, Mehdi Shaban Zadeh
- Artificial Intelligence and the Right to a Fair Trial in Light of the Iranian Constitution
Pouria Zhoulideh
- Impact of Government Expenditure and Debt on Stock Market Growth in Iran
Razieh Hojjati Nezhad
- the Position of the Central Counterparty Institution and Its Impact on the Principle of Privity of Contracts in Cross Border Transactions in the Legal Systems of Iran, Europe and the United States of America
Arefeh Ghasem Zadeh Dehabadi
- Strategies to Combat and Deal with Cybercrime
Ahmad Padidar